# • سرمقـــــاله

بسم الله الرحمن الرحیم

۱. اگر با اندکی مسامحه «پژوهش‌های حدیثی» را میوهٔ درختی بدانیم که «فقه الحدیث» یا به تعبیری دیگر «درایة الحدیث» ریشهٔ آن است، در این صورت، تاریخ این دستاورد گران ارج به صدر اسلام برمی‌گردد؛ به آن زمان که امام باقر علیه‌السلام فرمود: «اعْرِفْ مَنَازِلَ الشِّيعَةِ عَلَى قَدْرِ رِوَايَتِهِمْ وَ مَعْرِفَتِهِمْ؛ فَإِنَّ الْمَعْرِفَةَ هِيَ الدِّرَايَةُ لِلرِّوَايَةِ، وَ بِالدِّرَايَاتِ لِلرِّوَايَاتِ يَعْلُو الْمُؤْمِنُ إِلَى أَقْصَى دَرَجَاتِ الْإِيمَانِ». (معانی الاخبار، ص ۱). و امام صادق علیه‌السلام فرمود: «حَدِيثٌ تَدْرِيهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ حَدِيثٍ تَرْوِيه» (همان، ص ۲).

۲. با بروز تحولات فرهنگی ـ اجتماعی در درونِ افراد و برونِ جامعهٔ مسلمانان، پژوهش‌های حدیثی نیز، از ناحیهٔ هدف، رویکرد، ابزار و دیگر شاخص‌ها، در مسیر تحوّل و تغییر قرار گرفتند. طبعاً کلّیات این فرآیند، همچنان ثابت می‌مانَد و جزئیات آن تطور می‌پذیرد، همچنان که دیگر نمادهای زندگی انسان و جامعه.

۳. در میان این تطوّرها، می‌توان از شاخص‌هایی یاد کرد که پژوهش‌های حدیثی را به تدریج، از بساطت آغازین به پیچیدگی‌های نوپدید کشانده است. مثلاً در چند قرن پیش توضیح مفردات یا ترکیبات یک حدیث را «درایة الحدیث» می‌دانستند، اما اکنون کسی که بخواهد در همان عرصه گام بزند، باید وجوه مختلف مفردات را بشناسد و استقصا و نقد و بررسی کند، آنگاه وجه مختار خود را به گونهٔ علمی اثبات کند. همین‌گونه است تلاش علمی در جمع میان احادیث متعارض و مانند آنها، که هر کدام، پیچیدگی خاصّ خود را تجربه می‌کنند.

۴. مادهٔ بحث درایة الحدیث ـ یا آنچه در جامهٔ جدیدش پژوهش حدیثی نام گرفته ـ نصوص وحیانی است. بدین روی با دیگر دانش‌های بشری تفاوت دارد، چرا که آنها با آزمون و خطا پیش می‌روند. امّا از جهت دانش بودن، مانند دیگر دانش‌های بشری است. لذا

همان فرآیندها را می‌پذیرد، در بستر آنها پیش می‌رود و در تطورهای ناشی از تحول زمان با آنها اشتراک دارد. مثلاً: کاربردی شدن، میان رشته‌ای شدن، تخصصی شدن، توصیفی و تحلیلی شدن، روزآمد شدن، تطبیقی شدن و....

در کنار این عوامل باید از عوامل آسان‌کنندهٔ پژوهش‌های حدیثی یاد کرد، مانند نرم افزارهای متنوع حدیثی با امکانات جستجوی لفظی و معنایی، دسترسی آزاد به منابع چاپی و خطی در مکاتب مختلف حدیثی، نشر گستردهٔ منابع حدیثی و دیگر منابع وابسته به آنها در فضای مجازی توسط فرقه‌های مسلمانان و....

۵. ورود خاورشناسان به این عرصه در سده‌های اخیر، اتفاقات جدیدی در این فضا رقم زده است. همزمان، نزدیک شدن دنیا به دهکدهٔ جهانی، تغییرات ناشی از ورود خاورشناسان را به درون جوامع مسلمانان کشانده است. بدین روی می‌بینیم که فاصلهٔ زبان و فرهنگ پژوهش‌های حدیثی مسلمانان با زبان و فرهنگ پژوهش‌های خاورشناسان به تدریج رو به کاهش می‌نهد. یعنی ما به زبان و بیان بین المللی در این عرصه نزدیک می‌شویم.

۶. تحولات شتابناک جهانی پیوسته پرسش‌های جدیدی پیش می‌آورد که پاسخ‌های تازه می‌طلبد. نمادهای این تحولات و تأثیر آن بر فضای پژوهش‌های حدیثی، آنچنان زیاد است که حتی برشمردن عناوین آنها، به نوشتاری درازدامن و مجال فراخ نیاز دارد.

مسائل جدید زنان و خانواده، چالش‌های برخاسته از تلاقی حقوق و فقه، مسائل زیست محیطی، ارتباط مناسب میان مناسک دینی با اخلاق، تعامل صحیح در فضای بین المللی، زندگی در محیط‌های چندفرهنگی و چندصدایی و... تنها بخشی از عناوین این مسائل جدید است که وقتی با زیرعنوانهای خود بیاید، «فهرست نامه» ای مفصّل پیش می‌آورد.

۷. به هر حال، در کنار پژوهش‌های اصیل و نظام مند، آسیبها و آفتهایی رخ می‌نماید که در بدنهٔ درخت کهنسال پژوهش‌های حدیثی می‌نشیند و آثار خود را بر ذهن و زبان و باور و ایمان مخاطبان خود در نسلهای بعدی می‌نشاند.

شاید مهمترین آسیب، این باشد که در کنار نوپژوهش ها، زایش و گسترش ناپژوهش‌ها و پژوهش نماها را شاهد باشیم. چرا چنین آسیب هایی روی می‌دهد؟ عوامل چندی در آن دخیل است که در ظرفیت محدود این گفتاورد نمی‌گنجد. با این همه نیم نگاهی بر آن می‌توان انداخت.

۸. همراه و همپای جریان صحیح و استوار اندیشه و پژوهش، همواره خطوط انحرافی وجود و جریان داشته است که از دیرباز، از آن با عناوینی مانند: مغالطات، سفسطه ها، تفکر غیر منطقی، شبه استدلال، دلیل‌های نارسا و ناتمام و... یاد می‌شود.

پیامدهای بروز این آسیب در نظام اندیشگی، پاره ای از اندیشوران را بر آن داشته که در وادی شناخت این آسیبها وارد شوند و نتایج تلاش خود را به شکل‌های مختلف ارائه کنند؛ مانند: نقد مطالب پیشین، ارائهٔ پژوهش‌های شاخص و استوار، تبیین نظری مغالطات، تبیین نظری روش‌های صحیح پژوهش، توضیح و تشویق عناصر اخلاق پژوهش و راههای دیگر؛ که با هدف کلی تمییز میان نوپژوهش‌ها با ناپژوهش‌ها و پژوهش نماها پی گرفته می‌شود.

۹. این نکتهٔ مهم نباید ناگفته بماند که فرهنگ پژوهش حدیثی در بستری رشد می‌کند که آموزش علوم حدیثی نیز جدّی گرفته شود. پژوهش و آموزش به مثابهٔ دو بال اند که بدون آن پرواز در آسمان فهم حدیث امکان ندارد. در اینجا ناگزیر باید به این واقعیت تلخ اعتراف کنیم که آموزش علوم حدیث نیز در حوزه‌های علمیه، دانشگاهها و مراکز پژوهشی دینی ـ با توجه به اهمیت و نقش کلیدی حدیث در سپهر آموزه‌های اسلامی ـ به جایگاه مناسب و در خور خود نرسیده است. رهایی از پیامدهای این واقعیت تلخ، اقدام جدّی و برنامه ریزی واقع بینانه می‌خواهد.

۱۰. فرآیند آموزش و پژوهش حدیثی، خود در فضای ترویج اخلاق پژوهش حدیثی به فرآورده‌های مطلوب خود می‌رسد. بدون توجّه به این نکته، همواره در معرض آسیب‌های مختلف خواهیم بود. دریغا! که این آسیب‌ها را عموم رهروان این راه احساس نمی‌کنند و درد را نمی‌فهمند و احساس نمی‌کنند تا به فکر درمان بیفتند. در بارهٔ این اخلاقیات، پیشتر در سرمقاله‌های گذشته نکاتی یادآور شده ایم، ولی اکنون با ورود از مدخل مغالطات، به این مهم می‌نگریم.

۱۱. برای اینکه از آسیب‌های مغالطات در امان بمانیم، حتماً باید گونه‌های متنوع مغالطات و آفات تفکر صحیح را درست بشناسیم و بشناسانیم. نکتهٔ مهم این است که مغالطه به عنوان رویکرد ضدّ اخلاقی، در تمام دانش‌ها و پژوهش ها، ضربهٔ کاریِ خود را می‌زند؛ ولی در دانشها و پژوهشهای حدیثی ضربهٔ آن سنگین تر خواهد بود، زیرا هدف

غایی این حیطه از دانش ورزی، تغییر مثبت در درون انسانها و در پی آن، تغیر مثبت در جوامع انسانی است.

۱۲. افزون بر ضرورت شناخت و شناساندن مغالطات، تربیت همگان بر مبنای شاخص‌های اخلاق پژوهش نیز ضرورت جدّی دارد. برخی از این شاخص‌ها در سطور آینده یاد می‌شود. طبعاً دستیابی به راهکارهای اجرایی برای این تربیت اخلاقی ضرورت دیگر در این راه گریزناپذیر است. اینک برخی از این شاخص‌ها را برمی‌شماریم:

انگیزهٔ الهی، توکل بر خدا، احترام به پژوهشگران سابق، شهامت و شجاعت در پژوهش، امانت داری، روحیهٔ حقیقت جویی، رویکرد گروهی در پژوهش، بهره گیری از مشورت، رعایت اولویت ها، تواضع و فروتنی، فهم کامل و سپس نقد اندیشه، انتقادپذیری.

در کنار این شاخص ها، پرهیز از عوامل منفی نیز ضروری است؛ مانند پرهیز از: شهرت طلبی، دنیاخواهی، تمایلات نفسانی، کتمان حق، شتاب زدگی، دخالت دادن، خواسته‌های شخصی و گروهی، پیشداوری، حبّ و بُغض‌ها و...

۱۳. تمام این شاخص‌ها و دهها بایسته و نابایستهٔ دیگر در این عرصه را می‌توان در یک جملهٔ جامع امام صادق علیه‌السلام خلاصه کرد، که در عین کوتاهی بسیار ژرف و کلیدی است؛ به ویژه از آن روی که به هدف غاییِ برنامهٔ تربیتی دین توجه می‌دهد، یعنی انتظار امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، که انتظارش امید رهایی و اطاعتش رمز رستگاری است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظِرٌ فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ فَجِدُّوا وَ انْتَظِرُوا هَنِيئاً لَكُمْ أَيَّتُهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ.» (غیبت نعمانی، ص ۲۰۰).

بادا که فرد و جامعهٔ ما همواره در این مسیر روشن و نورانی گام بردارد. چنین باد.